



(٢٥٩) - (٢٧٥)

العدد الثامن

وظائف الخطاب والمحتوى الحساس في المثنوي أسرار خودي وجاويد نامه إقبال لاهوري

أ.م.د حسين سليمي

جامعة الخليج الفارسي / بوشهر

hsalimi@pgu.ac.ir

## المخلص:

الإثارة هي إحدى الحيل البلاغية والفنية للتعبير عن خطاب جميل وممتع. هذه الصناعة ، التي تكون أحياناً في مجال البلاغة وأحياناً في مجال القضايا اللغوية والنحوية ، هي أحد عوامل الجمال والألفة والاهتمام في الشعر. إقبال لاهوري هو واحد من أبرز الشعراء الثوريين والمناضلين في فترة العودة الأدبية ، وله موقعه الأدبي الحسي ووظائف محتواه المهمة معنى في شعره. في هذه الدراسة ، التي تهدف إلى تحديد وشرح خصائص شعر إقبال بشكل أفضل ، بافتراض أن الحساسية هي أحد العوامل التي تدخل في جمال قصائد إقبال لاهور وتأثيرها الجيد ، فقد حاول الإجابة على السؤال بطريقة وصفية تحليلية. هذا التطبيق الحسي ما هي المبادئ في قصائد إقبال؟ لهذا الغرض ، تم استخراج أنواع حسية مختلفة من قصائده وتصنيفها وتحليلها. تشير نتيجة البحث ، مع إظهار التنوع في بنية ووظيفة الشهوانية في قصائد إقبال لاهوري ، إلى أن الشهوانية هي إحدى الركائز الأساسية للخيال في قصائد هذا الشاعر ، ولها مكانة خاصة في تأثير المعنى وإبرازه. ومحتوى قصائده.

العلوم التربوية والنفسية وطرائق التدريس للعلوم الأساسية

كلمات المفتاحية: شهوانية ، إقبال لاهوري ، أسلوب بلاغي

**Sensitive rhetorical and content functions in Masnavi Asrar Khodi and  
Javid Nameh Iqbal Lahori**

Dr. Hossein Salimi

Persian Gulf University. Bushehr

hsalimi@pgu.ac.ir

## Abstract

Sensational is one of the rhetorical and artistic tricks of expressing beautiful and pleasant speech. This industry, which is sometimes in the field of rhetoric and sometimes in the field of linguistic and grammatical issues, is



one of the factors of beauty, familiarity and attention in poetry. Iqbal Lahori is one of the most prominent revolutionary and militant poets of the literary return period, whose poetic sense has a literary status and important content functions. In this study, which aims to better identify and explain the characteristics of Iqbal's poetry, assuming that sensibility is one of the factors involved in the beauty and good effect of Iqbal Lahore's poems, has tried to answer the question in a descriptive-analytical way that sensory application What are the principles in Iqbal's poems? For this purpose, various sensory types in his poems were extracted, categorized and analyzed. The result of the research, while showing the variety in the structure and function of sensuality in Iqbal Lahori's poems, indicates that sensuality is one of the main pillars of imagination in this poet's poems, has a special place in the effect and prominence of the meaning and content of his poems.

**Keywords:** sensuality, Iqbal Lahori, rhetorical style.

کارکردهای بلاغی و محتوایی حس آمیزی در مثنوی اسرار خودی و جاوید نامه اقبال لاهوری

دکتر حسین سلیمی

دانشگاه خلیج فارس. بوشهر

hsalimi@pgu.ac.ir

### چکیده

حس آمیزی از شگردهای بلاغی و هنری بیان سخن زیبا و دل نشین است. این صنعت که گاه در حوزه و دستگاه بلاغی و گاه در حوزه مسائل زبانی و دستوری قرار می گیرد، یکی از عوامل زیبایی، آشنایی زدایی و توجه برانگیزی در شعر محسوب می شود. اقبال لاهوری از برجسته ترین شاعران انقلابی و مبارز دوره بازگشت ادبی است که حس آمیزی در شعر او جایگاه ادبی و کارکردهای محتوایی مهمی دارد. در این پژوهش که با هدف شناخت و تبیین هرچه بهتر ویژگی های شعر اقبال صورت می گیرد با فرض اینکه حس آمیزی از عوامل دخیل در زیبایی و حسن تأثیر اشعار اقبال لاهوری است، تلاش کرده است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی بدین پرسش پاسخ داده شود که کاربرد حس آمیزی در اشعار اقبال مبتنی بر چه اصولی است؟ بدین منظور انواع حس آمیزی در سروده های او استخراج، دسته بندی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. نتیجه پژوهش ضمن آن که نشان از تنوع در ساختار و کارکرد حس آمیزی در اشعار اقبال لاهوری دارد، مشخص می سازد که حس آمیزی یکی



از اصلی‌ترین ارکان خیال در اشعار این شاعر بوده، جایگاه خاصی در حسن تأثیر و برجستگی معنا و محتوای سروده‌های وی دارد.

واژگان کلیدی: حس‌آمیزی، اقبال لاهوری، شیوه بلاغی.

### 1- مقدمه

حس‌آمیزی از جمله اسلوب‌های بیان هنری و آشنایی‌زدایی است که در حوزه علم بیان و اسناد مجازی جای می‌گیرد. در این شیوه شاعر می‌کوشد با بهره‌مندی از قوه خیال که با نوعی عادت شکنی و شکستن مرزهای عادی حواس ظاهری و باطنی همراه است، بر درجه تأثیر کلام افزوده، سخن خود را با شدت و قدرت بیشتری به مخاطب القا نماید، به‌گونه‌ای که اعجاب و شگفتی مخاطب را با خود به همراه داشته باشد. حس‌آمیزی از آغاز شعر و شاعری، در ادب فارسی کارکرد داشته و در زبان شاعران به‌طور ناخودآگاه به کار می‌رفته است، اما در هیچ‌یک از امهات کتب بلاغی در مورد آن سخنی به میان نیامده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۵)، شفیع کدکنی که معادل واژه (synaesthesia) فرنگی، کلمه حس‌آمیزی را پیشنهاد و به کار گرفته است. (رک: همان، ۱۳۹۲: ۲۷۱)، در تعریف حس‌آمیزی می‌گوید: «منظور از حس‌آمیزی، بیان و تغییری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانشینی آن‌ها خبر می‌دهد.» (همان، ۱۳۷۹: ۴۱). مطابق این تعریف «مثلاً اگر کارکرد بینایی را به شنوایی نسبت دهیم، ترفند حس‌آمیزی را به‌کاربرده‌ایم» (محبتی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). همچنین در تعریف دیگری که از حس‌آمیزی شده است، این شیوه بیان را نوعی ابزار مبالغه در توصیف دانسته‌اند که شاعران بدان وسیله مضمون را «تجسم و تجسد می‌بخشد و به زبان دیگر با حس می‌آمیزد، محسوس می‌کند و صفات محسوسی را برای امری معقول یا انتزاعی می‌آورد.» (فشارکی، ۱۳۷۹: ۹۹). در ادبیات عرب «از حس‌آمیزی با عنوان «الحس المتزامن» یا «تبادل الحواس» نام‌برده شده است.» (وهبه، ۱۹۸۴: ۱۴۸).

در گستره حس‌آمیزی، شاعران دست بازتری برای هنرنمایی دارند. «آنان گاه به‌جای این‌که حواس را در کنار هم به کار ببرند، آن‌ها را باهم آمیخته، کار حسّی را به حسّ دیگر واگذار می‌کنند.» (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۳۵). در چنین مواقعی، دیدنی، شنیدنی و یا حتی، شنیدنی، بساوایی می‌شود. این ادغام حواس در شعر فارسی موجب آفرینش تصویرهای زیبا و بدیع می‌شود، زیرا نوعی آشنایی‌زدایی است و موجبات شگفتی و تعجب خواننده و شنونده را فراهم می‌سازد. این آرایه در شعر فارسی از گذشته تا دوره معاصر مورد اقبال شاعران نکته‌سنج قرار گرفته است. اقبال لاهوری از برجسته‌ترین شاعران



فارسی‌زبان دوره بازگشت ادبی است که شعر او هم از جهت محتوایی و هم از نظر بلاغت و زیبایی‌شناسی دارای اعتبار و ارزش فراوانی است. حس‌آمیزی در سروده‌های اقبال لاهوری در ساحت‌ها و زمینه‌های بلاغی متفاوتی به‌کاررفته است. در این پژوهش، نمونه‌هایی از موارد کاربرد حس‌آمیزی در شعر اقبال مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش از دو دفتر اسرار خودی و جاوید نامه اقبال لاهوری نشان می‌دهد که شیوه بلاغی حس‌آمیزی یکی از ابزارهای است که ایشان برای غنی‌سازی زبان شعری خود از آن استفاده کرده است و با ترکیب حواس، حس‌آمیزی‌هایی خلق کرده است که در دنیای ادبی زبان فارسی ارزشمند است؛ اما با این‌همه، بسامد حس‌آمیزی در اشعار وی اندک است.

### 1-1- بیان مسئله

حس‌آمیزی یکی از تصویرسازی‌هایی است که شاعر به‌وسیله ترکیب کردن حس‌های پنج‌گانه و بازی با کلمات دنیای تازه‌ای را در شعر خود ایجاد می‌کند و مانند دیگر تصویرهای بلاغی از قبیل استعاره، تشبیه و... باعث به وجود آمدن ترکیبات نو و آشنایی‌زدایی در دنیای ادبی می‌شود. سابقه کاربرد حس‌آمیزی در ادبیات فارسی به نیمه دوم قرن سوم و قرن چهارم برمی‌گردد که در اشعار شاعران این دوره به‌ندرت به چشم می‌خورد و بسامد زیادی ندارد اما در سبک هندی به دلیل تصویرسازی شاعران این دوره رواج پیدا کرد و در دوره معاصر به اوج خود رسید. حس‌آمیزی در این دوره از پرکاربردترین فنون بلاغی در دنیای ادبیات بوده است. اساساً «دانش‌های ادبی و شگردهای بلاغی هم به شعر زیبایی می‌بخشد و به معناپروری کلام یاری می‌رساند. بهره‌گیری به جا و مناسب از صناعات بلاغی، مخاطب را به ژرف‌اندیشی و درنگ در سروده‌ها و نوشته‌ها وامی‌دارد و فضاهای جدیدی از مضامین درون متنی را به او نشان می‌دهد.» (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲)

اقبال لاهوری یکی از شاعرانی معاصر فارس زبان است که از حس‌آمیزی بهره‌جسته است و اشعار خود را با این شیوه بلاغی آراسته است. پژوهش پیش رو حس‌آمیزی را در دو دفتر اسرار خودی و جاوید نامه اقبال لاهوری بررسی شده است.

نتیجه پژوهش ضمن آن‌که نشان از تنوع در ساختار و کارکرد حس‌آمیزی در اشعار اقبال لاهوری دارد، مشخص می‌سازد که حس‌آمیزی یکی از اصلی‌ترین ارکان خیال در اشعار این شاعر بوده، جایگاه خاصی در حسن تأثیر و برجستگی معنا و محتوای سروده‌های وی دارد.

### 1-2- هدف و روش پژوهش



در این پژوهش که باهدف شناخت و تبیین هرچه بهتر ویژگی‌های شعر اقبال لاهوری صورت گرفته است، تلاش گردیده تا به شیوه توصیفی - تحلیلی، اشعار او از جهت کاربرد حس‌آمیزی موردبررسی قرار گیرد و به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که کاربرد حس‌آمیزی در اشعار او مبتنی بر چه اصولی است؟ بدین منظور پس از تعریف مختصری از حس‌آمیزی و کاربرد آن در شعر فارسی، حس‌آمیزی در سروده‌های این شاعر برجسته از حیث ساختار بلاغی، دستوری و نوعی بررسی شده، سپس انواع حس‌آمیزی از نظر ترکیب ویژگی‌های حواس با یکدیگر ارائه شود.

### 3-1- پیشینه پژوهش

بااینکه حس‌آمیزی از دیرباز در شعر شاعران فارسی‌زبان به کار می‌رفته، اما در شعر شاعران سبک هندی، دوره بازگشت و شاعران معاصر رواج کامل یافته است. از پژوهش‌های انجام‌شده در موضوع حس‌آمیزی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بیرانوند (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی حس‌آمیزی در دیوان صائب»، به بررسی حس‌آمیزی در اشعار صائب پرداخته است. تقسیم‌بندی او در این کار فقط بر اساس ترکیب حواس بوده و نتیجه آن نشان از کاربرد نسبتاً بالای حس‌آمیزی در دیوان صائب است.

الهامی (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی» در ضمن تعریف و پیشینه کاربرد حس‌آمیزی درباره ساختار و ویژگی‌های حواس با یکدیگر، در غزلیات بیدل دهلوی بحث کرده است. همچنین، کریمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «حواس پنج‌گانه و حس‌آمیزی در شعر» به بررسی حس‌آمیزی و سیر تحول آن پرداخته است. بهنام (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «حس‌آمیزی: سرشت و ماهیت»، پدید حس‌آمیزی را در هنر و پدیده‌های زبانی مورد بازکاوی قرار داده است. رشیدی و گلچین (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان: «جایگاه پارادوکس و حس‌آمیزی و انواع آن‌ها در مثنوی مولانا»، به بررسی این دو آرایه شعری پرداخته و برای هرکدام تقسیم‌بندی جدیدی ارائه کرده‌اند و به این نکته مهم اشاره نموده‌اند که خاستگاه این دو صورت از صور خیال در ادب عرفانی به یکی از اصول اساسی در کلام اشعری بازمی‌گردد. بااین‌حال پژوهشی مستقل درباره بررسی حس‌آمیزی در اشعار اقبال لاهوری مشاهده نشد و مشخص گردید که بررسی کاربرد حس‌آمیزی در سروده‌های اقبال لاهوری موضوعی نو و تازه است.

### 2- کاربرد حس‌آمیزی در شعر فارسی



حس آمیزی آرایه‌ای شعری است که در ادبیات فارسی، سابقه کاربرد طولانی داشته، در اشعار شاعران ادوار گذشته نیز به کار می‌رفته است و در دوره‌های مختلف بسامد استفاده از آن متفاوت بوده است. «کاربرد حس آمیزی در دوره‌های نخستین شعر فارسی، بسیار کم و به‌ندرت بوده است اما در شعر بعد از مغول افزایش یافته و در شعر سبک هندی بسامد آن بالا می‌رود و در شعر معاصر به بیشترین اوج خود رسیده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۴۱). نمونه‌هایی از کاربرد حس آمیزی در سه دوره یادشده بدین قرار است:

### ۱-۲- شعر کهن

در شعر نمونه‌های حس آمیزی فراوان نیست. باین‌حال مواردی از آن را در دیوان‌های شاعران می‌توان یافت. از قدیمی‌ترین نمونه‌های حس آمیزی در شعر فارسی می‌توان به حس آمیزی در ترکیب‌های «سخن شیرین»، «آوای نرم»، «گرم گفت»، در این بیت فردوسی اشاره کرد:

سخن‌های شیرین به آوای نرم

سپهد پرستنده را گفت نرم

(فردوسی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۶۰۱)

مولوی نیز گاه از حس آمیزی بهره می‌گیرد:

هست لبیکش که نتوانی شنید

لبیک سرتاپای بتوانی شنید

(مولوی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۹۱)

چشیدن لبیک به‌جای شنیدن آن به کار گرفته‌شده و استعاره تبعیه است به معنی اجابت و پذیرش دعا از جانب خداوند. اجابتی که چشیدنی است نه شنیدنی.

از دیگر ترکیباتی که همراه با حس آمیزی است و می‌توان آن‌ها را تأویل به مصدر کرده و استعاره در فعل نامید، می‌توان بدین موارد اشاره کرد: «چهره شیرین»، (سعد سلمان، ۱۳۶۴: ۵۱)، «در

عشق گرم شدن» (عطار، ۱۳۸۲: ۳۶)،

«شیرین سخن بودن» (سعدی، ۱۳۷۷: ۷۸۶) و «بو شنیدن»: (حافظ، ۱۳۶۲: ۱۲). (محمودی و

راشکی، ۱۳۹۵: ۱۸۴)

### ۲-۲- سبک هندی

حس آمیزی در سبک هندی نسبت به دوره‌های پیش کاربرد بیشتری یافته است. از بین شاعران سبک هندی، بیدل و صائب حس آمیزی را به‌طور گسترده در شعر خویش به‌کاربرده‌اند. در شعر صائب، گاه حس شنوایی و بینایی به هم‌میخته شده است؛ مانند:



بلبل از افغان رنگین سرخ دارد روی باغ بوستان پیرا دهان غنچه پر زر می‌کند.

ترکیب وصفی «افغان رنگین»، استعاره مکنیه است و حس آمیزی دارد. صائب در جای دیگر حس بینایی با لامسه را این‌گونه درهم‌آمیخته است:

در هر نظر به رنگ دگر جلوه می‌کند ازبس که رنگ آن گل‌رخسار نازک است (همان، ج ٢: ٩٤).

مصدر مرکب «رنگ بو داشتن» در بیت زیر از بیدل استعاره تبعیه است از تعلقات دنیوی داشتن: رنگ بو نامحرم فیض بهار نیستی است خاک راهی باش و از هر نقش پا بردار گل

(بیدل دهلوی، ١٣٨٤: ٩٦٣).

در این بیت بیدل نیز «نگه شدن صدا» استعاره از نعل بوده حس آمیزی دارد:

با نرگست چه عرض تمنا دهد کسی دیدیم سرمه‌ای که نگه شد صدای ما (همان، ج ١: ٨٩).

### ٣-٢- شعر معاصر

کاربرد حس آمیزی در شعر معاصر از دوره‌های قبل به مراتب بیشتر است. این امر سبب هرچه بیشتر ملموس شدن شعر و افزودن بر قدرت و حسن تأثیر آن می‌شود. به‌عنوان مثال، سهراب سپهری در استعاره مکنیه «طعم تصنیف»، دو حس چشایی و شنوایی را بدین گونه درهم‌آمیخته است:

در ابعاد این عنصر خاموش من / من از طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه تنهاترم. (سپهری، ١٣٨٩: ٣٦٢).

در شعر «فتح باغ» فروغ فرخزاد، استعاره مکنیه «آواز خواندن فواره» آمیزه‌ای از حس شنوایی و بینایی است:

سخن از زندگی نقره‌ای آواز است / که سحرگاهان فواره کوچک می‌خواند. (فرخزاد، ١٣٨٥: ٣٩٥).



این نمونه‌ها نشان می‌دهد که حس‌آمیزی به‌هیچ‌وجه بر ساخت و پرداخت ادبای غرب نیست و ریشه در ادب ایران‌زمین دارد. حتی «می‌توان سابقه کاربرد این صنعت را در قرآن کریم و از محورهای دانست که دانشمندان علم بلاغت در آیات قرآنی آن را بررسی کرده‌اند». (تجلیل، ۱۳۸۶: ۶۷).

### 3- ساختار بلاغی حس‌آمیزی

تخیل از عناصر مهمی است که سبب تمایز زبان ادبی از زبان عادی می‌گردد. «تخیل، ضمن این‌که می‌تواند به انسان امکان آفرینش بدهد، مجال بیان وجدانیات شخصی او را نیز فراهم می‌سازد». (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۱۶)؛ و با خلق تصاویر بدیع، باعث تازگی و طراوت می‌شود. تخیل، همچنین «نوعی وسیله معرفت و درک حقیقتی است که جز از طریق زبان شعر قابل‌درک نیست». (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۶۲). از عناصر تخیل که موجب مبالغه، تزیین کلام و محسوس کردن مفاهیم ذهنی و انتزاعی می‌شود، حس‌آمیزی است. برخی از ادب‌پژوهان، حس‌آمیزی را قسمی مجاز دانسته‌اند که از آمیختن دو حس با یکدیگر ایجاد می‌شود. (ر.ک: داد، ۱۳۷۸: ۱۹۷). نیز آن را زیرمجموعه استعاره در نظر گرفته‌اند. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۷۴)؛ (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۷۸). همچنین، حس‌آمیزی در حوزه تضاد نیز گنجانده شده است. (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۰۹). بعضی از نظریه‌پردازان، حس‌آمیزی را بر اساس تشابه در تأثیرات ادراکی یا عاطفی، نوع استعاره دانسته‌اند. (ر.ک: ابودی، ۱۳۸۴: ۲۳۴). این قیاس و مشبهت میان دو حس می‌تواند تأثیر واحد در ادراک آدمی ایجاد کرده، یا عاطفه مخاطب را درگیر آمیختگی خود کند. (محمودی و راشکی، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

آنچه مسلم است، حس‌آمیزی به لحاظ ماهیت، نوعی استعاره است که در آن انتقال معنی از یک مقوله حسی و ادراکی به مقوله دیگر، بر اساس تشابه و تداخل حواس صورت می‌گیرد. این انتقال بر اساس شباهت، استعاره یا همان مجاز است. در زبان ادبی، به‌ویژه هنگامی‌که به عرصه شعر وارد می‌شویم، امکان تغییر معنای قاموسی کلمات و تأثیرپذیری بیشتر برای خواننده فراهم می‌شود. در این حال، انتخاب و ترکیب واژگان یا چگونگی کاربرد استعاره و مجاز در محور جانشینی تا حد زیادی به تأثیر قوه خیال، حواس انسان باهم می‌آمیزد یا این‌که یک حس، جایگزین حس دیگری می‌شود. بدین شکل که ویژگی‌ها و کارکردهای یک حس به حس دیگر اسناد داده می‌شود. البته این تصور، منحصر به محدوده حواس ظاهری انسان نیست و اسناد متعلقات حواس ظاهر به امور انتزاعی و معقول را نیز شامل شود.





نتایج پژوهش از دو دفتر اسرار خودی و جاوید نامه اقبال لاهوری نشان می‌دهد که شیوه بلاغی حس‌آمیزی ابزاری است که او برای غنی‌سازی زبان شعری خود از آن استفاده کرده است و با ترکیب حواس، حس‌آمیزی‌هایی خلق کرده است که در دنیای ادبی زبان فارسی ارزشمند است. با اینکه بسامد حس‌آمیزی در اشعار وی اندک است با این‌همه این آرایه در سروده‌های اقبال لاهوری در ساحت‌ها و زمینه‌های بلاغی متفاوتی به‌کاررفته است. نمونه‌هایی از موارد کاربرد حس‌آمیزی در شعر اقبال مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### 4- تحلیل حس‌آمیزی در مثنوی اسرار خودی و جاوید نامه

اقبال لاهوری در زبان و ادبیات فارسی و حوزه مذهب و عرفان و فلسفه چهره شناخته‌شده‌ای است «جهان‌بینی اقبال به همان اندازه که نو است ریشه در اعماق فرهنگ و ایمان دیرین ما دارد و از دورترین سرچشمه‌های معنوی خرد ما آب می‌خورد. در این جهان‌بینی جوهر اشراق وحدت‌نگری همچنین آشنایی با مدنیت جهان معاصر و اندیشه‌های فلسفی عصر ما را در رفیع‌ترین قله‌های تفکر غرب یافته است» (اقبال، ۱۳۸۶: ۹) بیشتر حس‌آمیزی‌های خلق‌شده توسط اقبال پیرامون تفکر عرفانی و مذهبی وی را نشان می‌دهد نحوه استفاده از حواس پنج‌گانه و ترکیب آن‌ها بررسی می‌شود.

##### 4-1- آمیختگی امور مربوط حسی به حس دیگر

برای تعریف این عنوان باید گفت که حس شنوایی را به یک حس بینایی آمیخته کنیم که با این کار، شاعر تصاویر و ترکیب‌هایی زیبایی می‌آفریند که برای خوانندگان اشعار خود دنیایی دیگر با زیبایی منحصر به فردی خلق می‌کند که خواننده شعر خود را مجذوب کند و همچنین در گسترش ترکیب زبان در حوزه ادبی ایفا نقش نموده و جایگاه هنری و ادبی خود را مستحکم‌تر کند. اقبال لاهوری هم یکی از این شاعران است که ترکیب‌های نوی را با آمیختگی حواس پنج‌گانه ایجاد کرده است. او در شعر خود حس‌آمیزی را به‌صورت تشبیه، استعاره، پارادوکس و ایهام درآورده است.

نمونه‌هایی از این ترکیبات به شرح زیر است:

##### 4-2- حس‌آمیزی و تشبیه

گاهی اوقات شاعر برای ابتکار حس‌آمیزی از اضافه تشبیهی یا به بیانی دیگر ترکیب مشبه و مشبه‌به استفاده می‌کند که طرفین تشبیه می‌تواند یکی از حواس پنج‌گانه باشد.



اشک من از چشم نرگس خواب شست  
سبزه از هنگامه‌ام بیدار رُست  
(لاهوری، ۳۷: ۱۳۸۵)

قلزم یاران چو شبم بی خروش  
شبم من مثل یم طوفان به دوش  
(همان: ۳۸)

آدمی اندر جهان هفت‌رنگ  
هرزمان گرم فغان مانند چنگ  
(همان: ۳۹)

نخل فکرم ناامید از برگ و بر  
با تیر بفرست یا باد سحر  
(همان: ۳۰۲)

اضافه تشبیهی چشم نرگس و شبم بی خروش، نخل فکر، ناله خاموش، گرم فغان. اقبال لاهوری با استفاده از ترکیب حواس پنج‌گانه تشبیهات زیبایی را خلق کرده است.

### 3-4- حس‌آمیزی با تصویر ایهام

ایهام یکی از مهم‌ترین مباحث بدیع به شمار می‌رود. در روش ایهام، ذهن خواننده متوجه یک معنای واژه می‌شود و معنای دیگر آن سخت‌تر خود را نشان می‌دهد. برای نمونه، عود در بیت زیر هم‌معنای آلات موسیقی است و هم چوب خوشبو است که از نوع ایهام تناسب است که با تار در بیت در تناسب است:

نغمه‌ام ز اندازه تار است بیش  
من نترسم از شکست عود خویش  
(همان: ۳۸)

حسن شیرین عذر درد کوهکن  
نافه‌ای عذر صد آهوی ختن  
(همان: ۴۱)

حسن شیرین، خود حس‌آمیزی است که واژه شیرین با کوهکن که فرهاد باشد ایهام ایجاد می‌کند:

خسرو شیرین‌زبان رنگین بیان  
نغمه‌هایش از ضمیر کن فکان  
(همان: ۴۸)



شیرین‌زبان، نوعی حس‌آمیزی است که با شیرین با خسرو ایهام ایجاد می‌کند.

#### 4-4- حس‌آمیزی با تصویر پارادوکس

«تصویر پارادوکس، تازه و غریب و خلاف عادت است. ذهن ما چون با امور معمول و منطبق طبیعت مأنوس است، وقتی عادت شکنی شود مثل جرقه چشم را می‌زند» (فتوحی، ۱۳۹۷: ۳۲۹) دو واژه متضاد که کنار هم قرار می‌گیرند، زمانی که با یکی از حواس پنج‌گانه ترکیب شود، ترکیب غریبی را ایجاد می‌کند مانند ترکیب‌های زیر:

**خورشید محتاج چراغ، نقش بی‌رنگی، نوق شیون در بیت‌های زیر پارادوکس هستند:**

اندر و خورشید محتاج چراغ

ماه از ظلمتش دل داغ

(اقبال، ۳۱۸: ۱۳۸۵)

جز به خون اهرمن نتوان کشید

نقش بی‌رنگی او کس ندید

(همان: ۳۲۷)

در چمن‌زاران نشیمن تا کجا

مثل بلبل نوق شیون تا کجا

(همان: ۵۴)

#### 4-5- حس‌آمیزی با تصویر تضاد

وقتی دو واژه متضاد در بیتی به‌کاررفته باشد علمای بلاغت تضاد نامیده‌اند در بیت زیر روز و شب تضاد هستند و زمانی که با تنیدن که ترکیب‌شده است و حس‌آمیزی با تصویر تضاد را نشان می‌دهد.

روز و شب را می‌تند بر خویشان

عبد از ایام می‌بافد کفن

(همان: ۷۰)

#### 4-6- حس‌آمیزی و واج‌آرایی

اقبال لاهوری در کنار حس‌آمیزی برای موسیقایی کردن شعر خود، از واج‌آرایی هم بهره جسته است و با این ترفند هنری، شعر خود را بدیع‌تر و توانایی شاعری خود را به نمایش گذاشته است. ترکیب



نوق نظر که مبتنی بر حس آمیزی است، ذوق و نظر هر دو با صامت ذ- ظ باعث افزایش موسیقی شعر است:

کور را نوق نظر بخشد غروب  
شام را رنگ سحر بخشد غروب  
(همان: ۳۰۵)

#### 7-4- حس آمیزی با تصویر استعاره

«ماهیت حس آمیزی را در استعاره است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۶۶) البته آمیزی و استعاره آن است که استعاره بر پایه علاقه میان مشبه و مشبه به بنا می شود اما در حس آمیزی، علاقه یکسان بودن تأثیر روحی وجود دارد. استفان اولمان نیز از زاویه دید یک روان شناس که به مبانی شناختی زبان نیز توجه دارد، اساس حس آمیزی را با مقوله تغییرات معنایی و انتقال همراه می کند که خود پایه های سازه ای استعاره است. پس به نظر می رسد حس آمیزی با تصویر استعاری می تواند بیشترین تأثیر حس آمیزی داشته باشد.

از تو درون سینه ام برق تجلی زد من  
با مه و مهر داده ام تلخی انتظار را  
(اقبال، ۱۳۸۵: ۳۲۵)

تلخی انتظار ترکیب اضافی است که در آن، انتظار را گیاه پنداشته، به آن مزه داده و حس چشایی را در این ترکیب آمیخته است.

خاک من روشن تر از جام جم است  
محرم از نازده این عالم است  
(همان: ۳۷)

خاک من استعاره از جسم است که آن را از جام جم بیناتر نشان می دهد.  
حس آمیزی همچنین می تواند یکی از حواس را به صورت فعل به حس دیگر اسناد دهد:  
آرزو جان و جهان رنگ و بوست  
فطرت هر شیء امین آرزوست  
(همان: ۴۷)

در مصرع اول بیت زیر سخنان شیرین مانند قند گفتن که ترکیبی از حس چشایی برای بیان استعاره استفاده کرده است.

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست  
بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست



(همان: ٣٠٣)

فکر روشن بین حس آمیزی از نوع انتزاعی است که بیان استعاری آن فکر آینده نگری را بیان می کند.  
فکر روشن بین عمل را رهبر است چون درخش برق پیش تندر است

(همان: ٥٣)

### 5- ساختار لفظی حس آمیزی

حس آمیزی را می توان از لحاظ ساختار لفظی به دو شکل ترکیبی و غیر ترکیبی تقسیم کرد:  
ترکیبی: به صورت ترکیب وصفی که از طریق دو کلمه از امور مربوط به حواس پنج گانه ایجاد می شود. در بیت های زیر: دل تهی، پنجه آهنین، نغمه خاموش، دل به دوش، فطرت روشن، ردای انکسار، پخته محکم، تلخی انتظار، عالم فرسوده، ترکیب های وصفی هستند که ترکیب هایی نو و تازه اند:

در میان انجمن تنهاستم

دل به دوش و دیده بر فرداستم

(همان: ٧٣)

گاه می پوشد ردای انکسار

گاه او را رحم به نرمی پرده دارد

(همان: ٥٩)

ردای انکسار ترکیب وصفی از نوع انتزاعی که شاعر برای بیان حس آمیزی استفاده کرده است.

پخته محکم اگر اسلام توست

این همه اسباب استحکام توست

(همان: ٥٦)

پخته محکم هم حس آمیزی از نوع ترکیب وصفی است. از نوع چشایی که جهان بینی و تفکر عرفانی شاعر را هم نشان می دهد.

مرده شد دل ها و تنها گور شد

پنجه آهنین بی زور شد

(همان: ٥٠)

شاعر در ساخت ترکیب پنجه آهنین از حواس لامسه بهره جسته و نوعی حس آمیزی را ایجاد کرده است. وصف کردن پنجه با جنس آهن، حس آمیزی وصفی را به وجود آورده است.

### 1-5- ترکیب اضافی

ترکیب های حس آمیزی می تواند اضافه تشبیهی یا استعاری باشد. اقبال لاهوری بیشتر به اضافه استعاری توجه داشته است از قبیل مرگ عقل، مرگ قلب، فانوس خیال، نخل فکر، قلب مسموم،



جهان هفت‌رنگ، ناخن فکر، مهر خاموش، وجود خام، طبع بلند، تخم آرزو، دامان هوش، قندیل شب، رنگ حیرت در ابیات زیر که ترکیب اضافی از نوع استعاری‌اند.

گفت **مرگ عقل**؟ گفتم ترک فکر؟  
گفت: **مرگ قلب**؟ گفتم ترک ذکر  
(همان: ۳۲۰)

**مرگ عقل** ترکیب اضافی است.

تیره خاکی برتر از **قندیل شب**  
سایه من بر سر من ای عجب  
(همان: ۳۱۸)

**قندیل شب** ترکیب اضافی است که جزو ترکیبات بدیعی در زبان فارسی است.

گر نرنجی این زمین شورزار  
نیست **تخم آرزو** را سازگار  
(همان: ۳۰۳)

**طبع بلند** داده‌ای بند ز پای من گشا  
تا به پلاس تو دهم خلعت شهریار را  
(همان: ۳۲۶)

## 2-5- حس‌آمیزی انتزاعی یا عقلی

گاه مفهوم انتزاعی یا عقلی با یکی از امور مربوط به حواس پنج‌گانه ترکیب می‌شود و حس‌آمیزی عقلی یا انتزاعی را به وجود می‌آورد.

از تو درون سینه‌ام برق تجلی که می‌دم  
با مه و مهر داده‌ام **تلخی انتظار**  
(همان: ۳۰۰)

**انتظار** یک امر عقلی یا انتزاعی است که با آمیختگی **تلخی** که حس چشایی از حواس پنج‌گانه ترکیب بدیعی را به وجود آورده است.

آن‌چنان تار نفس از هم گسیخت  
**رنگ حیرت** خانه ایام ریخت  
(همان: ۳۰۵)



حیرت یک امر انتزاعی عقلی است که با رنگ که حس بینایی است آمیخته شده و ترکیب انتزاعی را به وجود آورده است.

آدمی اندر جهان هفت‌رنگ  
هر زمان گرم فغان مانند چنگ  
(همان: ۳۰۱)

فغان امر انتزاعی با گرم از حس چشایی است ترکیب شده است.

وقت؟ شیرینی به زهر آمیخته  
رحمت عامی به قهر آمیخته  
(همان: ۳۲۱)

وقت امری انتزاعی با ترکیب شیرینی و زهر از ویژگی حس چشایی ترکیب شده است.

فطرتش روشن مثال ماهتاب  
گشت از بهر سفارت انتخاب  
(همان: ۴۸)

فطرت امری انتزاعی با روشن که حواس بینایی ترکیب شده است.

شوکتی کاو پخته چون کهسار بود  
قیمت یک نغمه گفتار بود  
(همان: ۴۸)

شوکت امری است که با پخته که حس چشایی حس آمیزی انتزاعی به وجود آورده است.

### نتیجه‌گیری

ساختار ترکیب حسی و انتزاعی نیز در اشعار اقبال پنج حس است: انتزاعی و بینایی، انتزاعی و شنوایی، انتزاعی و بویایی، انتزاعی و چشایی، انتزاعی و بساوایی. بیشترین توجه شاعر در این بخش به حس آمیزی‌های انتزاعی و بینایی و کمترین کاربرد در حس آمیزی‌های انتزاعی - بویایی دیده می‌شود؛ و در مجموع می‌توان گفت که حس آمیزی یکی از اصلی‌ترین صورت‌های خیال در شعر اقبال لاهوری است و در این اثربخشی و آراستگی شعر او مؤثر افتاده است. حس آمیزی یکی از شیوه‌های بلاغی است با استفاده از حواس پنج‌گانه به وجود آمده است شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف از حس آمیزی در آثار خود استفاده کرده‌اند در دوره معاصر کاربرد بیشتری نسبت به دوره‌های قبل داشته است. اقبال لاهوری هم یکی از شاعران زبان و ادبیات فارسی است که از حس آمیزی در



اشعار خود استفاده کرده است که البته اگرچه حس آمیزی در اشعار وی بسامد زیادی ندارد اما با این همه توانسته است در دو دفتر شعری خود؛ **جاوید نامه** و **اسرار خودی** از ترکیب حواس پنجگانه با شیوه‌های بلاغی دیگر مانند استعاره، کنایه، پارادوکس، ایهام، تضاد و واج‌آرایی و ترکیب وصفی، اضافی و انتزاعی (عقلی) در اشعار به زیبایی و تأثیرگذاری سروده‌های خود بیفزاید. با بررسی حس آمیزی در سروده‌های اقبال لاهوری مشخص گردید که از نظر بلاغی، دو سوی ترکیب حس آمیزی در سروده‌های او می‌تواند به صورت تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، پارادوکس، تضاد و ایهام به کار رود. از نظر ساختار دستوری نیز، حس آمیزی به دو شکل کاربرد یافته؛ یکی به صورت ترکیبی؛ که این ترکیب می‌تواند ترکیب وصفی باشد و یا ترکیب اضافی و دیگری به شکل غیر ترکیبی. بیشترین ترکیب آمیختگی حواس از شیوه بلاغی استعاری است. او با این‌گونه حس آمیزی‌ها توانسته است ترکیبات نو و آشنایی‌زدایی‌های بدیع را برای ادبیات زبان فارسی به ارمغان آورد. از طرفی نیز حس آمیزی‌های به‌کاررفته در شعر اقبال لاهوری به دلیل تفکرات عرفانی و مذهبی حس آمیزی بکار رفته در اشعار اقبال، در پیرامون تفکرات اوست و در القا و معرفی اندیشه‌های عرفانی و فلسفی او نقش مهمی دارد.

### منابع

1. ابودیب، کمال. (۱۳۸۴)، صور خیال در نظریه جرجانی، ترجمه فرزانه سجودی و فرهاد ساسانی، تهران: گسترش هنر.
2. الهامی، شراره. (۱۳۸۷)، «بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، س ۴، ش ۱۲، صص ۳۱-۴۸.
3. بهنام، مینا. (۱۳۸۹)، «حس آمیزی، سرشت و ماهیت»، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۹، صص ۶۷-۹۲.
4. بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۸۴)، دیوان اشعار، ج ۲. چ ۱، تصحیح خلیل‌الله خلیلی، تهران: سیمای دانش.
5. بیرانوند، سعید. (۱۳۸۲)، «بررسی حس آمیزی در دیوان صائب»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
6. پور نامداریان، تقی. (۱۳۸۱)، سفر در مه، تأملی در شعر احمد شاملو، چ ۱، تهران: نگاه.
7. تبریزی، صائب. (۱۳۶۴). دیوان اشعار، چ ۳، ج ۱، تصحیح محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
8. تجلیل، جلیل. (۱۳۸۶)، صور خیال در شعر اصفهانی، چ ۱، تهران: روایت.
9. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۴) دیوان، ج ۲، تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.





10. حاتمی، سعید و همکاران، (۱۳۹۷)، «زیبایی‌شناسی شعر شعرای رفسنجان پس از انقلاب اسلامی»، فنون ادبی، سال دهم، ش ۲ (پیاپی ۲۳)، صص ۲۱-۳۸.
11. حسن لی، کاووس. (۱۳۸۳)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، چ ۱، تهران: ثالث.
12. داد، سیما. (۱۳۷۸)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چ ۳، تهران: مروارید.
13. رشیدی، سیمه و گلچین، میترا. (۱۳۸۹)، «جایگاه پارادوکس و حس‌آمیزی و انواع آن در مثنوی مولانا»، مجله علمی - پژوهشی ادب فارسی، دوره جدید ۱، ش ۵. صص ۳۰۸-۲۹۵.
14. سپهری، سهراب. (۱۳۶۴)، هشت کتاب، چ ۱، تهران: افست.
15. سعد سلمان، مسعود. (۱۳۶۴)، دیوان اشعار، چ ۱، تصحیح مهدی نوریان، تهران: کمال.
16. سعدی شیرازی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله. (۱۳۷۷)، دیوان اشعار، چ ۳، تصحیح مدرس رضوی، تهران: کتابخانه سنایی.
17. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، شاعر آینه‌ها، چ ۵، تهران: آگاه.
18. ----- (۱۳۸۹)، موسیقی شعر، چ ۱۲، تهران: آگاه.
19. ----- (۱۳۹۲)، صور خیال در شعر فارسی، چ ۱۶، تهران: آگاه.
20. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۲)، منطق الطیر، چ ۱۹، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: علمی و فرهنگی.
21. فتوحی، محمود. (۱۳۸۹)، بلاغت تصویر، چ ۲، تهران: سخن.
22. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵)، شاهنامه (نامه باستان)، چ ۱، تصحیح میر جلال‌الدین کزازی، تهران: ثالث.
23. فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۵)، دیوان اشعار فروغ فرخزاد؛ به کوشش اعظم نوروزی، چ ۶، مشهد: نیکا.
24. فشارکی، محمد. (۱۳۷۹)، نقد بدیع، چ ۱، تهران: سمت.
25. کریمی، پرستو. (۱۳۸۷)، «حواس پنج‌گانه و حس‌آمیزی در شعر»، نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا، س ۲، ش ۸، صص ۱۳۱-۱۵۰.
26. محبتی، مهدی. (۱۳۸۰)، بدیع نو، چ ۱، تهران: سخن.
27. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۴)، مثنوی معنوی، ج ۱، به تصحیح رینولد نیکلسون، مترجم؛ حسن لاهوتی، تهران: علمی و فرهنگی.
28. محمودی، علیرضا، راشکی، فاطمه. (۱۳۹۵)، بررسی حس‌آمیزی در اشعار نصرالله مردانی، مجله زیان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، سال ۶۹. بهار و تابستان ۹۵. ش ۲۳۳. صص ۱۸۱-۲۰۰.
29. وهبه، مجدی. (۱۹۸۴)، معجم المصطلحات العربية الغت و الادب، بیروت: مکتبه لبنان.

# JOBS



مجلة العلوم الأساسية  
Journal of Basic Science



ISSN 2306-5249

العدد الثامن  
٢٠٢٢ م / ١٤٤٣ هـ



مجلة العلوم الأساسية  
للعلوم التربوية والنفسية وطرائق التدريس للعلوم الأساسية